

نگاه

پیام تسلیت مقام معظم رهبری در پی درگذشت حجت‌الاسلام سید جعفر مرتضی

● پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در پیامی درگذشت عالم خدمتگزار و پرتلاش، حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای سیدجعفر مرتضی را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
خبر درگذشت عالم خدمتگزار و پرتلاش جناب حجةالاسلام‌والمسلمین آقای سیدجعفر مرتضی در لبنان را با تأسف دریافت کردم. این عالم بزرگوار با تالیفات وزین و پر حجم و محققانه‌ی خود در تاریخ صدر اسلام که از نگارش شیوا و قلمی قدرتمند برخوردار است، خدمت بزرگی به دنیای اسلام تقدیم کرده و نیاز فرهنگی مهّتی را برآورده ساخته است. اینجانب به خاندان مکرم و بازماندگان ایشان و به جامعه‌ی علمی لبنان تسلیت عرض میکنم و رحمت و مغفرت الهی و حشر با اجداد طاهیرن را برای وی مسالت مینمایم.

رؤسای قوای مجریه و قضائیه نیز به مناسبت رحلت آیت‌الله مرتضی‌عاملی پیام تسلیتی صادر کردند.

ادامه از صفحه اول

مرگ الٰبنگادی و معادله محاکمه داعش

... و این موضوع از هدف دیوان که در پیش به آن اشاره شد، خارج است، اما ایشان اقدام توسط دولت‌های عراق و سوریه و نیز ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت را به عنوان راهکار ارائه دادند که متأسفانه تاکنون عملی نشده است. در وضعیتی مشابه در سودان مشاهده شد که شورای امنیت که نهاد حافظ صلح و امنیت بین‌المللی است، با توجه به شدت‌گرفتن جنایات در دارفور و نگرانی از آینده این جنایات، وضعیت این کشور را در قطع‌نامه ۱۹۵۳ در سال ۲۰۰۵ به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد و در سال ۲۰۰۷ حکم جلب عمر کوشب (فرمانده میلیشای جنجوبید) و احمد محمد هارون (وزیر کشور سودان) و در سال ۲۰۰۹ حکم جلب عمر حسن عمر البشیر (رئیس‌جمهور سودان) را صادر کرد. قضیه آنان در دیوان تحت رسیدگی قرار گرفت. حال تطبیق وضعیت دولت‌های عراق و سوریه با وضعیت دولت سودان که هر سه این کشورها عضو دیوان نیستند شاید کمی مسئله را روشن‌تر کند. وضعیت سودان توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع داده می‌شود ولی وضعیت عراق و سوریه همچنان باید در بالاتکیفی بماند. این در حالی است که داعش با استناد به گزارش‌های کمیساریای عالی حقوق بشر در عراق و سوریه مرتکب جنایاتی بیشتر و در سطحی گسترده‌تر از آنچه در سایر نقاط جهان در حال حاضر در حال وقوع است، شده است به طوری که جنایت ژنوساید که شنیع‌ترین جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود و تمامی دولت‌ها موظف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مبارزه با آن هستند، در سابقه جنایات داعش جای گرفته است. قطع نظر از پاسخ این مسائل که بدون شک بی‌ارتباط با نظرات و تصمیمات شورای امنیت نیست، روشن است که با مرگ ال‌بنگادی داعش تمام نشده و نخواهد شد و چه بسا این ایدئولوژی قدرتمندتر از قبل به حرکت خود ادامه دهد؛ پس وضعیت به حال سابق باقی است و اندیشه محاکمه این گروه نباید از میدان برچیده شود، به ویژه اینکه ال‌بنگادی تنها رهبر این‌ گروه نبوده و فرماندهان جنگ و سایر دولت‌هایی که به نحوی این گروه را به لحاظ اداری و فروش سلاح تأمین کرده‌اند باید محاکمه شوند. بدیهی است که دیوان نمی‌تواند به جنایات تمامی سربازان داعشی در محکمه خود رسیدگی کند و برای محاکمات آنان کمالینکه پیش‌تر در دادگاه‌های مشابه مشاهده شده، می‌توان ترتیب اثرهایی خاص داد ولی محاکمه عناصر اصلی داعش در هیچ زمانی نباید مورد غفلت جامعه بین‌المللی و به ویژه دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. در واقع دادگاه‌های ناموفق پیشین در این حوزه همگی باید درس عبرتی برای دادگاه‌هایی باشد که در آینده برگزار خواهد شد، چه در دیوان و چه دادگاه‌های ویژه منطقه‌ای یا بین‌المللی. در حال حاضر دولت‌های سوریه و عراق موظف‌اند که در این خصوص تصمیمات و اقداماتی جدی اتخاذ کنند تا خون مردم بی‌گناهشان در پای معاملات قدرت‌های سرمایه‌دار و نظام بی‌رحم سرمایه‌داری پایمال نشود. این جنگ‌ها در خاورمیانه یک بار برای همیشه باید پایان پذیرد و چاره‌ای هم جز اقدام از سوی خود دولت‌های درگیر جنگ نخواهد داشت. کشته‌شدن ال‌بنگادی اگرچه برای جامعه حقوقی بسیار ناخوشایند است و برگ برنده دیگری برای داعش و حامیانش است، ولی جامعه جهانی هنوز اقدامات معتنابه‌ی پیش‌رو دارد که می‌تواند با درپیش‌گرفتن آنان راه را برای رسیدن به صلح و امنیت بین‌المللی هموار کند.

علی ایوبی: استعفا و حتی شایعه آن، برای اعضای دولت حسن روحانی در حال تبدیل‌شدن به یک عادت است. بین‌التعطیلی‌های این هفته، تقریباً همه مراکز را تعطیل و نیمه‌تعطیل کرده بود؛ اما باز هم شایعه یک استعفا در دولت به گوش رسید و البته تکذیب شد. دوشنبه بود که در فضای مجازی شایعه‌ای منتشر شد که محمود حجتی، وزیر جهاد کشاورزی، چند روزی است استعفا داده است. این خبر در حالی منتشر شد که «خلیل آقای»، رئیس سازمان جنگل‌ها، بهتازگی بازداشت شده است؛ باین‌حال یک منبع آگاه در دفتر رئیس‌جمهوری در گفت‌وگو با ایسنا این شایعه را تکذیب کرد. استعفا، استیضاح یا برکناری هرکدام از اعضای دولت می‌تواند روایت و معنی خاص خود را داشته باشد؛ اتفاقی که چند باری در دولت دوم حسن روحانی رخ داده که در اینجا به استعفاهای رخ‌داده اشاره می‌کنیم:

استعفا‌ی وزیر خارجه

استعفا‌ی محمدجواد ظریف قطعاً مهم‌ترین شوک برای سیاست خارجی دولت حسن روحانی و حتی منطقه و جهان بود. ششم اسفند سال گذشته محمدجواد ظریف، با آنکه معمولاً برای اخبار مهم از توئیتر استفاده می‌کند، در اقدامی غیرمنتظره در اینستاگرام خود اعلام کرد از سمت خود استعفا داده است. آن هم در روزی که بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، در سفری کوتاه به تهران، با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری دیدار و گفت‌وگو کرده بود. تصاویر منتشرشده از آن ملاقات‌ها نشان می‌داد محمدجواد ظریف و دیگر اعضای وزارت خارجه در آن حضور نداشته‌اند و همین می‌توانست دلیل این استعفا باشد. یک روز بعد وزیر خارجه با سایت آریا گفت‌وگو کرد و گفت: «استعفا‌ی من صرفاً به‌منظور دفاع از شان و جایگاه وزارت امور خارجه در روابط خارجی بوده است که آن را در کنار سایر توانمندی‌ها برای امنیت ملی ایران حیاتی می‌دانم. من ناراحتی و دلخوری

سیاست

شایعه استعفا‌ی وزیر جهاد کشاورزی تکذیب شد

همه استعفاهای وزرای دولت دوم روحانی

شخصی ندارم و نیازی به دلجویی ندارم. به‌عنوان وزیر خارجه وظیفه داشتم به‌خاطر منافع ملی و اقتدار کشور در برابر رعایت‌نشدن جایگاه وزارت خارجه واکنش نشان دهم. بقیه گمانه‌زنی‌ها صرفاً زاییده تخیلات افراد است». به‌هرحال حسن روحانی استعفا‌ی او را بر خلاف مصالح کشور دانست و با آن موافقت نکرد. این استعفا با واکنش سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه که در دیدارهای بشار اسد با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری حضور داشت، مواجه شد. او گفت: «برخی ناهامهنگی‌ها در نهاد ریاست‌جمهوری که مطرح هم شده، منجر به عدم حضور وزیر خارجه کشورمان در این ملاقات و متعاقباً کلاه‌بندی ایشان شده است. قرائن نشان می‌دهد هیچ‌گونه تعمدی برای عدم حضور آقای دکتر ظریف در این ملاقات نبوده است و باید تأکید کنم ایشان به‌عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران مسئول اصلی در حوزه سیاست خارجی کشور هستند».

استعفا‌ی وزیر‌راه

عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی که از اصلاح‌طلبان دولت روحانی محسوب می‌شد، ۲۸ مهر سال گذشته استعفا‌یش را در کانال شخصی خود منتشر کرد. او در سه سال آخر حضورش در وزارتخانه، سه بار استیضاح شده و هر سه بار نیز استیضاح او رای نیاورده بود؛ اما آخوندی در استعفا‌ی خود اعلام کرد در سال ۹۶ سه بار استعفا داده است. متن استعفا نشان می‌داد او با رئیس‌جمهور اختلاف نظر زیادی داشته است و به گفته او حسن روحانی سه اصل «پایبندی به قانون»، «احترام به حقوق مالکیت» و «اقتصاد بازار رقابتی» را نقض کرده است. استعفا‌ی آخوندی با موافقت رئیس‌جمهور همراه شد.

استعفا‌ی وزیر بهداشت

حسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و از وزاری کلیدی دولت روحانی نیز در ۱۳ دی ۹۷ استعفا داد. دلیل

گفت‌وگو با محمدتقی فاضل‌میبدی به مناسبت سالگرد درگذشت مرحوم آیت الله خاتمی

میراث روح‌الله خاتمی



بود؛ به‌طوری‌که هم کار کشاورزی می‌کرد، هم در حوزه درس می‌داد و هم اخبار روز را به دقت پیگیری می‌کرد.

✚ **ان مرحوم یکی از منتقدان شرایط حاکم بر حوزه‌های علمیه بود و حتی در دورانی که امام در تبعید به‌سر می‌برد، نامه‌ای به ایشان نوشت و از وضعیت حوزه‌ها گلایه کرد. علت انتقادهای این جنبنی آیت‌الله خاتمی چه بود؟**

مرحوم خاتمی دریافت‌ه بود که عده‌ای از روحانیون با زمان جلو نیامده‌اند و نسبت به مقتضیات روز آشنایی ندارند. او این دیدگاه را بعد از انقلاب به دست و تردید داشت که روحانیون بتوانند در عالم سیاست موفق عمل کنند؛ ازاین‌رو خودش هم به‌شدت از تصدی امور اجرایی و سیاسی ریزه‌ز داشت. آیت‌الله خاتمی در اوایل انقلاب از مصادره اموال و دستگیری‌های گسترده به‌شدت ناراحت بود؛ در حقیقت او نخستین روحانی‌ای بود که نسبت به این دو مسئله انتقاد کرد و از محرومیت‌ها و زندانی‌کردن‌ها گلایه کرد. علاوه‌بر این اشکالی که وارد می‌کرد این بود که چرا روحانیت در همه کارها ورود می‌کند. حتی وقتی امام آن مرحوم را به امامت جمعه منصوب کرد، با کراه و صراست آن‌که دستور امام بود، پذیرفت. آیت‌الله خاتمی تنها امام‌جمعه‌ای بود که در امور اجرایی به‌هیچ‌وجه دخالت نمی‌کرد؛ شاید مشورتی می‌داد، اما اصلاً دستور صادر نمی‌کرد و به دنبال کسب منافع شخصی نبود.

او حتی وقتی فرزندش؛ یعنی آقای سیدمحمد خاتمی می‌خواست وزیر فرهنگ و ارشاد شود، چندان روی خوشی نشان نداد و نگران بود که آقای خاتمی نتواند به خوبی از عهده مسئولیتی که ارتباط با حقوق مردم داد، برآید. البته به زعم من آقای خاتمی بهترین وزیر ارشاد تمام تاریخ ۴۰ ساله انقلاب است و در دوره او بسیاری از منتقدان و حتی مخالفان جمهوری اسلامی جذب نظام شدند؛ همان‌طور که دو دوره ریاست‌جمهوری او هم بهترین دولت‌ها را تجربه کردیم. مرحوم خاتمی بزرگ در تربیت فرزندانش به‌شدت اهتمام عمل داشت و توانست فرزندان‌ی صالح تربیت کند. در سبب‌های مهم بسیاری از روحانیون احرازه نمودند که دخترانشان به دانشگاه بروند، آن مرحوم هیچ ممانعتی برای فرزندانش قائل نمی‌شد. در حقیقت آیت‌الله خاتمی توانست سنت را با تجدید پیوند دهد که شاید این

این استعفا کمی بودجه سال ۹۸ در بخش سلامت عنوان شده بود. رئیس‌جمهوری با این استعفا نیز موافقت کرد.

استعفا‌ی وزیرصمت

استعفا‌ی وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت دوازدهم، آن هم درحالی‌که قرار بود از سوی مجلس استیضاح شود، از نکات جالب دولت دوازدهم است. مهر سال پیش حسن روحانی با استعفا‌ی محمد شریعتمداری موافقت کرد و سپس او را به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس معرفی کرد. مجلس نیز که قرار بود او را به‌دلیل عملکردش در وزارت صمت استیضاح کند، به وزارتش بر وزارتخانه جدید رای داد.

استعفا‌ی وزیر آموزش و پرورش

استعفا‌ی محمد بطحایی در ۱۶ خرداد امسال را می‌توان عجیب‌ترین استعفا‌ی یک وزیر برشمرد. نکته جالب آنکه براساس شنیده‌ها، وزیر آموزش و پرورش درخواست استعفا داده بود، اما تصورش بر این بود که رئیس‌جمهور با استعفا موافقت نخواهد کرد و او برای پیگیری درخواست‌ها و انتظاراتش از روحانی فرصت به دست خواهد آورد؛ اما برخلاف انتظارش با استعفا‌یش موافقت شد؛ اما سخنگوی دولت دلیل استعفا‌ی بطحایی را حضور او در انتخابات مجلس عنوان کرد و گفت: «آقای بطحایی با رئیس دفتر رئیس‌جمهور، تماس گرفته و خواستند تا قبل از پایان مدت‌زمانی که در قانون برای پذیرش استعفا تعیین شده است، رئیس‌جمهور با استعفا‌ی او موافقت کند که به‌همین‌دلیل روحانی استعفا را پذیرفت. با شخصیتی که از آقای بطحایی سراغ داریم، هر آنچه در متن استعفا آمده، در ذهنشان نیز بوده است».

باید منتظر بمانیم تا مشخص شود وزیر سابق از کدام حوزه انتخابیه برای مجلس نامزد خواهد شد.

روزنه

روایتی از تحولات دانشگاه تهران در زمان ریاست عارف

● مجید سرسنگی، مشاور رئیس و مدیر کل وقت روابط عمومی دانشگاه تهران در زمان محمدرضا عارف، در گفت‌وگویی در واکنش به طرح موضوعاتی در هفته‌های اخیر درباره تدریس دکتر سروش و دکتر طباطبایی در دانشگاه تهران و نیز فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان در آن زمان و همین‌طور سخنرانی سیدمحمد خاتمی در دانشگاه تهران گفت: مطمئناً طرح موضوعات این‌چنینی در فضای رسانه‌ای کشور بدون ارائه مستندات کافی نوعی بی‌اخلاقی و وارونه‌جلوه‌دادن واقعیت است.

او در ادامه افزود: متأسفانه بخش عمده‌ای از نهاد سیاست در ایران زنگار زده شده و ماهیت آن از درون با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. بسیار دیده شده که سیاست‌مداری شعار خدمت به نظام، مردم و… می‌دهد، اما زمان عمل که می‌شود هر رفتاری را برای خدشه‌وارکردن به رقیب جایز می‌داند. متأسفم که امروز و بعد از ۴۰ سال که از انقلاب می‌گذرد، ارزش تقوا تنها در چارچوب شعارهای تبلیغاتی معنا می‌شود و در عمل آنچه در صحنه سیاست – عمدتاً نه تماماً – دیده می‌شود، سوءاستفاده از ارزش‌ها برای به‌دست‌آوردن قدرت بیشتر و جایگاه مادی رفیع‌تر است.

سرسنگی ادامه داد: من دکتر محمدرضا عارف را بیش از ۲۰ سال است که می‌شناسم. حتماً به ایشان نیز مانند هر مدیر اجرایی دیگر ایده‌هایی وارد است، اما چیزی که تاکنون از او ندیده‌ام، دروغ‌گفتن، تهمت‌زدن به دیگران و استفاده از چتر نظام و دین برای رسیدن به مقام و جایگاه بوده است. برخی به سکوت او ایراد می‌گیرند؛ سکوت او در برابر بداخلاقی‌ها که بیشتر از عارف جریان اصلاح‌طلبی و وفقای اصلاح‌طلبان را نشانه رفته است، خود نشانه‌ای از اخلاق معلم و مدیری است که نخواسته و نمی‌خواهد به هر قیمت – حتی به خاک و خون کشیدن آرمان‌هایش – خود را برتر از دیگران نشان دهد و در این راه به حربه‌های ناپاک متوسل شود که متأسفانه امروز در بین برخی به‌ظاهر سبایسون مد روز شده است!

او با اشاره به دوران ریاست عارف در دانشگاه تهران در دهه ۷۰، گفت: من تقریباً از ابتدای حضور دکتر عارف به‌عنوان رئیس دانشگاه در دانشگاه تهران افتخار همکاری با ایشان را داشتم (البته سابقه آشنایی من با ایشان به سال‌ها قبل‌تر از این موعد بازمی‌گردد). در اوایل دهه ۷۰ به درخواست مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و بعد از آن به درخواست تعداد قابل توجهی از استادان، مدیران ارشد نظام و مدیران برجسته آموزش عالی کشور، ایشان مسئولیت اداره دانشگاه تهران را پذیرفت. این در حالی بود که بنا بر دلایلی در آن مقطع دانشگاه درگیر برخی ناآرامی‌ها بود و شرایط سختی را هم از نظر علمی و هم از نظر فرهنگی و فعالیت‌های دانشجویی (مانند فعالیت تشکل‌های اسلامی و برنامه‌های سیاسی آنها) می‌گذراند. سرسنگی در ادامه تصریح کرد: حضور دکتر عارف در دانشگاه و در آن زمانه خاص توانست تأثیرات مثبتی را از خود به جای بگذارد. از یک طرف برخی تظاهرات که از قبل به جاننده بود، آرام شد. او سوی دیگر فضای علمی دانشگاه با آرامش و اطمینان کار خود را از سر گرفت و نیز در حوزه فعالیت‌های دانشجویی، با توجه به رفتار پدانه رئیس دانشگاه با تمام گروه‌های فعال، این فعالیت‌ها از رشد کمی و کیفی خوبی برخوردار شد. نکته مهم در این زمینه آن بود که به‌نظم همه تشکل‌های سیاسی دریافت‌ه بودند که رئیس دانشگاه حاضر نیست تحت هر فشاری از بیرون یا داخل، نقش تشکل‌های اسلامی را کمرنگ کرده و از دانشگاه به بهانه ساکت‌شدن، سیاست‌زدایی کند.معاون فرهنگی دانشگاه تهران یادآور شد: تاجایی‌که من به‌خاطر می‌آورم – و همان‌گونه که آقای دکتر فاتح هم به‌تازگی یادآوری کرده‌اند – در آن زمان رابطه خوبی بین دانشگاه و دوستان انجمن اسلامی برقرار بود و این موضوع فقط در رابطه با انجمن اسلامی صدق نمی‌کرد. در آن دوره تلاش می‌شد منویات مقام معظم رهبری درباره نشاط سیاسی در دانشگاه عملی شود و همه گروه‌های دانشجویی، فارغ از نوع نگاه، دانشگاه برنامه‌های خود را به بهترین شکل برگزار کنند. سرسنگی تصریح کرد: ادعای اینکه دکتر سیدجواد طباطبایی در زمان ریاست دکتر عارف بر دانشگاه از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران کنار گذاشته شد، از اساس کذب است؛ چراکه دکتر طباطبایی در زمان ریاست دکتر عارف در دانشگاه تهران حضور نداشته و برخورد با او پیش از زمان ریاست دکتر عارف بوده است.

عارف صورت گرفته بود.وی همچنین ضمن روایتی از برخورد دکتر عارف با برخی گروه‌هایی که خواهان جلوگیری از تدریس دکتر سروش در دانشگاه تهران بودند، گفت: اوایل اینکه باید یادآور شوم ما درباره دکتر سروش اوایل دهه ۷۰ سخن می‌گوییم؛ یعنی زمانی که هنوز به صورت قانونی دانشگاه توانست در تدریس‌ش کند و در بسیاری از مجامع علمی با آزادی کامل سخنرانی داشته باشد. آنچه از نظر تاریخی در آن زمان رخ داد این بود که در زمان ریاست دکتر عارف در دانشگاه تهران گروه‌هایی بنا به تشخیص خود بارها به تدریسش در دفتر رئیس دانشگاه خواستار توقف تدریس دکتر سروش در دانشگاه تهران شدند. دکتر عارف در این خصوص ضمن تأکید بر رعایت قانون و حفظ حرمت استادان دانشگاه، بار نیز درخواست این گروه‌ها نرفت و در آن زمان تدریس دکتر سروش در دانشگاه تهران ادامه یافت.

ادامه در صفحه ۳

چه کسانی هستند و وابسته به چه نهادی. احتمالاً قربان‌زاده هم به ادعای همین سایت اشاره کرده است. این سایت اعلام کرده بود که در این نظرسنجی، علی لاریجانی ۱۳ درصد، محمدباقر قالیباف ۱۹ درصد، اسحاق جهانگیری ۸ درصد، محمدعلی نجفی یک درصد، دکتر حسن قاضی‌زاده‌هاشمی ۹ درصد، محمدجواد ظریف ۱۱ درصد، عزت‌الله ضرغامی کمتر از ۰٫۵ درصد، پرویز فتح کمتر از ۰٫۵ درصد، محمدرضا عارف کمتر از ۰٫۵ درصد و محمدجواد آذری جهرمی ۲٫۵ درصد رای داشته‌اند. یکی دیگر از افرادی که گمانه‌زنی درباره ورودش به انتخابات زیاد است و در نظرسنجی‌های ادعایی نامی از او برده نشده، علی مطهری است. گفته می‌شود که اگر مطهری کاندیدا شود به‌طور قطع یکی از گزینه‌های مورد حمایت اصلاح‌طلبان است، چراکه ویژگی‌های رفتاری و سیاست‌ورزی او به آنچه اصلاح‌طلبان به آن معتقدند، نزدیک است و خودش هم اخیراً گفته است: «مواضع سیاسی من به اصلاح‌طلب‌ها نزدیک‌تر است که این حرف تا حدی درست است، چون اصولگرا‌ها به احکام دینی بیشتر اهمیت می‌دهند و اصلاح‌طلب‌ها اهمیت بیشتری برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی قائل‌اند». گفته می‌شود که اقبال عمومی به طرف او رو به گسترش است و نتایج آن می‌تواند در کارزار انتخاباتی آرای قابل اعتنایی را به خود جلب کند.